

نظریه وظیفه‌گرایی اخلاقی در قرآن و تأثیر آن بر فهم آیه ۱۹۳ سوره بقره

یاسر دلشاد^۱ - محمدجواد عنایتی راد^۲

چکیده

بیکار با غیرمسلمانان و شرایط آن یکی از موضوعاتی است که از دیرباز در آثار تفسیری مطرح بوده و مفسران در اینکه مُقاتل کیست و دلیل ضرورت جنگ با غیرمسلمان چیست، اختلاف نظر داشته‌اند. پژوهش حاضر می‌کوشد با به‌کارگیری روش توصیف، تبیین و تحلیل نقادانه، دیدگاه‌های مطرح شده ذیل آیه ۱۹۳ سوره بقره را بررسی کند. در این میان غفلت از نظریه اخلاقی قرآن در دیدگاه‌های تفسیری سبب طرح آرای غیرموجه شده است. هدف از پژوهش پیش‌رو شناسایی نظریه اخلاقی قرآن برای فهم بهتر آیه یادشده از طریق واکاوی نظریه‌های اخلاقی در اخلاق هنجاری است. نتایج پژوهش نشان‌دهنده این است که نظریه اخلاقی قرآن به نظریه وظیفه‌گرایی اخلاقی نزدیک شده است. براساس این رویکرد، آسیب رساندن به افراد غیرمُقاتل از دیدگاه اخلاقی ناپسند است. براین اساس غیرمسلمان نباید برای عقیده نادرستش کشته شود. همچنین واژه «فتنه» با توجه به سیاق آیات ۱۹۰ تا ۱۹۳ سوره بقره و معناشناسی آن، از اقدامات خراب‌کارانه غیرمسلمانان و نیز آزار مسلمانان حکایت داشته و دیگر معانی مطرح شده از معانی اصیل آن به‌شمار نمی‌آید.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، گروه معارف اسلامی دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد
(نویسنده مسئول).
delshadyaser@gmail.com

۲. استادیار دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد.

enayati-m@um.ac.ir

دریافت: ۱۴۰۳/۴/۲۹ - پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۰

کلیدواژه‌ها: نظریه اخلاقی قرآن، وظیفه‌گرایی، فعل اخلاقی، آیه ۱۹۳ بقره، فتنه، مُقاتل.

مقدمه

در آثار تفسیری اعم از نوشته‌های متقدم و متأخر، برداشت‌های متعددی درباره آیه ۱۹۳ سوره بقره^۱ بیان شده است. مفسران از دیرباز با به‌کارگیری برخی از قواعد تفسیر، مانند سیاق آیات درصدد تدقیق دیدگاه خویش و اجتناب از تفسیر به رأی بوده‌اند. با وجود این برخی از مفسران با کم‌توجهی به سیاق آیات، دیدگاه‌های ناصواب و در برخی موارد مشکل‌آفرینی از آیات ارائه داده‌اند. حکم به ضرورت قتال با مُقاتل و غیرمُقاتل و نیز وجوب پیکار با دشمن به علت کفر و شرک او یکی از مهم‌ترین این اقوال ذیل آیه ۱۹۳ سوره بقره است. از سوی دیگر، اخلاق پژوهان با ارائه برخی از معیارهای فعل اخلاقی، به قضاوت اخلاقی درباره آرای مفسران پرداخته‌اند. براساس این رویکرد نیز می‌توان آیه ۱۹۳ سوره بقره را ارزیابی کرد. به‌طور کلی معیارهای فعل اخلاقی در اخلاق هنجاری^۲ را می‌توان در نظریه‌های وظیفه‌گرا،^۳ فضیلت‌گرا^۴ و غایت‌گرا^۵ شامل خودگروی،^۶ دیگرگروی^۷ و فایده‌گروی^۸ تقسیم‌بندی کرد. فاعل اخلاقی با تمسک به این دست از نظریه‌ها وظیفه اخلاقی خود را شناسایی کرده و برمی‌گزیند.

پژوهش حاضر می‌کوشد به این پرسش‌ها پاسخ دهد که ارزش‌های اخلاقی در قرآن با کدام نظریه اخلاقی در اخلاق هنجاری هم‌خوانی دارند و دیگر اینکه رهیافت‌های

۱. «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيُكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ» و با آن‌ها بجنگید تا فتنه باقی نماند و دین، تنها از آن خدا شود. پس اگر [از روش نادرست خود] دست برداشتند، [مزامح آن‌ها نشوید؛ زیرا] جز بر ستمکاران روا نیست.

2. Normative Theory
4. Deontology
5. Teleological
6. Ethical Egoism
7. Altruism
8. Utilitarianism

نظریه اخلاقی قرآن در فهم آیه ۱۹۳ بقره چگونه است؟

۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر با توصیف و تحلیل نقادانه و با روش آیه به آیه درصدد تصحیح و تدقیق برداشت‌های تفسیری از آیه ۱۹۳ بقره است و می‌کوشد نشان دهد که توجه به نظریه اخلاقی قرآن، نقش مهمی در فهم بهتر آیات به ویژه آیه یادشده دارد. بنابراین پژوهش بر آن است که در گام نخست به بررسی نظریه‌های اخلاقی به ویژه وظیفه‌گرایی اخلاقی بپردازد تا دریابد که ارزش‌های اخلاقی در قرآن با کدام نظریه اخلاقی هم‌خوانی بیشتری دارند. در ادامه نیز با طرح بحث ضرورت توجه به سیاق آیات برای فهم بهتر مراد الهی، از کم‌اعتنایی برخی از مفسران به این مهم و برداشت‌های تفسیری نادرست پرده برمی‌دارد.

۲. پیشینه پژوهش

بررسی وظیفه‌گرایی اخلاقی در قرآن و تأثیر آن بر فهم آیه ۱۹۳ بقره موضوعی نوپدید است که پیشینه چندانی در پژوهش‌های قرآنی ندارد. برخی از آثار را می‌توان با موضوع پژوهش حاضر مرتبط دانست:

- حسینی رامندی در دو کتاب *نظریه اخلاق هنجاری اسلام براساس قرآن کریم و درآمدی بر مؤلفه‌های نظام اخلاقی قرآن* بر آن است که نظریه اخلاق هنجاری در قرآن به نظریه غایت‌گرایی اخلاقی نزدیک است.

- هادی صادقی در کتاب *فلسفه اخلاق در دایره عقل و دین* ضمن طرح نظریه یکپارچگی اخلاق، نظریه اخلاقی قرآن را بهره‌مند از تمام نظریه‌های اخلاقی توصیف کرده و به نظریه‌های اخلاقی رایج منحصر نمی‌داند.

- در مقاله «وظیفه‌گرایی اخلاقی» از اترک (۱۳۹۸) نیز ضمن بررسی برداشت‌های متعدد از نظریه وظیفه‌گرایی اخلاقی، برداشتی صحیح از نظریه یادشده ارائه شده است.

- مقاله «بررسی انتقادی غایت‌گرایی اخلاقی به مثابه نظریه هنجاری قرآن» به قلم آل بویه (۱۴۰۰) می‌کوشد به بررسی و نقد نظریه غایت‌گرایی اخلاقی در قرآن بپردازد.

- در مقاله «شاخص‌های وظیفه‌گرایی اخلاقی در مکتب اخلاقی امیرمؤمنان از دیدگاه نهج‌البلاغه» به قلم سعیدی (۱۳۹۸) نیز شاخص‌های نظریه وظیفه‌گرایی اخلاقی در نهج‌البلاغه معرفی شده است.

- همچنین در مقاله «ارزیابی نظریه و رویکرد وظیفه‌گرایانه کانت از منظر اخلاق اسلامی» (۱۴۰۱) به قلم خوانساری کوشیده شده تا ضمن طرح دیدگاه کانت در اخلاق هنجاری به نقایص این دیدگاه پرداخته شود.

۳. واکاوی نظریه‌های اخلاقی

گزاره اخلاقی از دو قسمت موضوع و محمول تشکیل شده که در قسمت موضوع آن، رفتار اختیاری و اوصاف اکتسابی انسان قرار دارد. از دیدگاه اخلاق پژوهان، موضوع گزاره اخلاقی توأمان منش و ملکات درونی و رفتارهای بیرونی را در بر می‌گیرد (علیزاده، ۱۴۰۱: ۲۷). در قسمت محمول نیز مفاهیم الزامی (باید، نباید و وظیفه) و مفاهیم ارزشی (صحيح و غلط، خوب و بد و درست و نادرست) جای می‌گیرد.

در اخلاق هنجاری، معیار ارزش‌گذاری و داوری اخلاق پژوهان در مواجهه با مفاهیم الزامی و ارزشی محمول گزاره‌های اخلاقی یکسان نیست. نظریه‌های مختلفی در اخلاق هنجاری ارائه شده که می‌توان آن‌ها را به نظریه‌های وظیفه‌گرا، فضیلت‌گرا، و غایت‌گرا شامل خودگروی، دیگرگروی و فایده‌گروی تقسیم‌بندی کرد. برخی از اندیشه‌وران با تأکید بر نتیجه‌افعال و با ترسیم رابطه‌ای تکوینی میان منش درونی و رفتار بیرونی افراد و نتایج عمل می‌کوشند که به پشتوانه مطمئنی برای اعتباربخشی به مفاهیم الزامی و ارزشی گزاره‌های اخلاقی دست یابند. بدین‌سان در اندیشه برخی از فیلسوفان اخلاق در غرب، ملاک درستی عمل به نتایج مطلوب مانند کسب سود، لذت، رفاه و امنیت بازبسته است (Norton, 1998: 151). باید توجه داشت که در فلسفه اخلاق به نظریه نتیجه‌گروی ایرادهای فراوانی وارد شده است. در این میان، برخی از اخلاق پژوهان مسلمان با طرح بعضی از ارزش‌های دینی مانند سعادت و قرب به خداوند، آن را به مثابه معیار فعل

اخلاقی به شمار می‌آورند (حسینی رامندی، ۱۳۹۸: ۱۵۴؛ همو، ۱۳۹۹: ۴۰۱-۴۰۲). به عبارت روشن‌تر، در مرحله اول، کمال آدمی و قرب الهی به مثابه غایت انسان تعریف شده و در مرحله دوم، منش درونی و رفتار بیرونی آدمی در راستای این غایت ارزیابی می‌شود؛ چنان‌که اگر منش و رفتار فرد در مسیر کمال و قرب الهی باشد، پسندیده و در غیر این صورت ناپسند به شمار می‌آید (ویلیامز، ۱۳۸۳: ۷۶).

از سوی دیگر، برخی از اخلاق پژوهان معیار فعل اخلاقی را وظیفه‌گروی می‌دانند. بر پایه وظیفه‌گروی اخلاقی، فاعل اخلاقی تنها درصدد عمل به تکلیف است (موحدی، ۱۳۸۹: ۹۶) و تکلیف برآیند سنجش سود و زیان فرد، دیگران و عموم افراد نیست. در واقع وظیفه‌گروان سنجه خوبی و بدی را در خود عمل جست‌وجو کرده، به عامل بیرونی برای تعیین ارزش اخلاقی افعال بی‌اعتنا هستند (صادقی، ۱۳۹۹: ۶۷). بدین سان وظیفه‌گروان با پذیرش نتیجه و غایت افعال، به انکار طرح آن به مثابه معیار فعل اخلاقی پرداخته‌اند (Tamnsjo, 2002: 48). لازم به ذکر است که شالوده وظیفه‌گروی به نوعی بر حسن و قبح ذاتی افعال نهاده شده است (هولمز، ۱۳۸۲: ۶۵).

با بررسی منابع می‌توان مهم‌ترین نظریه‌های وظیفه‌گرایانه را بدین‌گونه شناسایی کرد: وظیفه‌گروی قرآنی، وظیفه‌گروی عقلی محض (نظریه کانت)، وظیفه‌گروی شهودگرا (نظریه دیوید راس)، وظیفه‌گروی قراردادگرا، نظریه‌های اگزیستانسیالیستی و نظریه حق محور. نقطه اشتراک همه نظریه‌های یادشده این است که نتیجه عمل تعیین‌کننده درستی و نادرستی عمل نیست. با وجود این در اینکه درستی و نادرستی چیست و چه چیزی وظیفه و عمل درست را تعیین می‌کند، اتفاق نظر وجود ندارد. وظیفه‌گروان عقل محض بر این باورند که عمل درست، عمل مطابق با امر مطلق و رعایت اصل تعمیم‌پذیری است. وظیفه‌گروان شهودگرا نیز با اتکا به قوه شهود در آدمی، درستی را ویژگی ذاتی اعمال قلمداد کرده و وظیفه‌گروان قراردادگرا با تأکید بر توافقات جمعی، امر درست را اجماع اجتماعی می‌دانند. وظیفه‌گروان اگزیستانسیالیستی نیز تصمیم و انتخاب انسان را سنجه درستی عمل معرفی کرده و باورمندان به نظریه‌های حقوق محور، حقوق فردی و اجتماعی را

ملاک درستی وظایف و تعیین‌کننده آن می‌دانند (اترک، ۱۳۸۹: ۲۸-۳۰). در ادامه به بررسی وظیفه‌گروی اخلاقی از دیدگاه آیات قرآن پرداخته می‌شود.

۳-۱. وظیفه‌گروی از دیدگاه قرآن

چنان‌که آمد، نظریه‌های غایت‌گرا ارزش اخلاقی عمل را به نتیجه و پیامد آن بازبسته می‌دانند. این نظریه‌ها با رد و انکار حسن و قبح ذاتی افعال، ارزش عمل را در نتایج آن جست‌وجو کرده و به نوعی به حسن و قبح غیري در افعال قائل‌اند. از سوی دیگر، در قرآن پاره‌ای از ارزش‌های اخلاقی مانند ضرورت برپایی قسط و عدل (نساء/ ۱۳۵؛ مائده/ ۸؛ اعراف/ ۲۹)، احسان به دیگران (نحل/ ۹۰)، عفو (اعراف/ ۱۹۹)، وحدت و هم‌بستگی (آل عمران/ ۱۰۳)، توصیه به مناسبات پسندیده اجتماعی و ضرورت دوری از خصومت (مائده/ ۲)، اجتناب از ظلم و ستم (بقره/ ۱۹۰؛ آل عمران/ ۵۷)، بدگمانی، غیبت، استهزا، تمسخر (حجرات/ ۱۲، ۱۱) و ... افزون بر ابتنا بر حسن و قبح ذاتی، وظیفه اخلاقی افراد را مشخص کرده و تکلیف همگان را در موقعیت مشابه بیان می‌کنند. به سخن دیگر، هنجارهای اخلاقی قرآن وظیفه مؤمنان را آشکار کرده و گذشت زمان تغییری در مسئولیت اخلاقی افراد به وجود نمی‌آورد. البته باید توجه داشت که منبع شناسایی ارزش‌های اخلاقی در نظریه‌های وظیفه‌گروانه و آموزه‌های قرآنی یکسان نیست. در معرفت‌شناسی گزاره‌های اخلاقی تعالیم قرآنی، افزون بر عقل، نقل و وحی نیز از جایگاهی بی‌بدیل برخوردارند.

در این راستا به نظر می‌رسد که انکار حسن و قبح ذاتی در قرآن با چهار چالش اساسی مواجه است: ۱. با انکار حسن و قبح ذاتی، ضرورت رجوع به شریعت برای درک و شناسایی تمام احکام اخلاقی حتی در مسائلی مانند ایمان، اطاعت و سپاسگزاری از خداوند آشکار می‌شود؛ حال آنکه اصل ایمان، ضرورت سپاسگزاری و لزوم اطاعت از خداوند افزون بر اینکه به وسیله عقل قابل شناسایی است، از نظر هستی‌شناختی نیز مقدم بر باور و عقیده افراد است. ۲. با انکار حسن و قبح ذاتی در قرآن، خوبی افعال الهی

چگونه توجیه پذیر خواهد بود؟ توضیح مطلب اینکه در صورت غیری بودن حسن و قبح، توجیه مفهوم کمال برای افعال خداوند با مشکل مواجه می‌شود؛ حال آنکه با پذیرش حسن و قبح ذاتی ارزش‌های اخلاقی در قرآن، حکمت افعال الهی به آسانی توجیه پذیر است. ۳. نظریه‌های غایت‌گروانه حاکی از آن است که برای فهم مفهوم خوبی به طرح سؤال‌های پیوسته یا سؤال‌های تسلسلی نیاز است؛ برای نمونه اگر مفهوم کمال در خوبی ارزش اخلاقی افعال مورد نظر قرار گیرد، باید دوباره از خوبی کمال سؤال کرد و این امر به تسلسل در سؤال می‌انجامد (کربلایی پازوکی و موسوی‌راد، ۱۴۰۱: ۹۶-۹۸). ۴. آیات ناظر به غایت‌گروی در قرآن بیشتر درصدد تشویق مؤمنان و تقویت انگیزه آنان به کارهای پسندیده بوده و در اساس به دنبال ارائه معیار رفتار اخلاقی نیستند (برای آگاهی بیشتر بنگرید به: کریمی، ۱۴۰۲: ۲۹۰-۲۹۶).

با توجه به مطالب پیش‌گفته، کمال‌گروی در قرآن به بحث حسن و قبح ذاتی و نظریه وظیفه‌گرایی اخلاقی نزدیک است. توضیح مطلب اینکه برای دستیابی به کمال و سعادت، نفس آدمی باید به فضایل اخلاقی آراسته شود. با تمسک به ارزش‌های اخلاقی، نفس آدمی ارتقا یافته و به تدریج پذیرای کمال و سعادت ویژه خود می‌شود. آدمی با آراستگی به خوبی‌ها و دوری از بدی‌ها در مسیر کمال وجودی و قرب به خداوند قدم برمی‌دارد (مانده/۸). در واقع می‌توان گفت آموزه‌های دینی به انسان تذکر می‌دهند که او در تمام ابعاد وجودی خود به خداوند نیازمند است و باید از طریق کسب فضایل اخلاقی و دوری از رذایل در پی رضایت الهی و قرب خداوند برآید (آل عمران/۷۶، ۱۳۴، ۱۵۹؛ نساء/۱۰۷؛ توبه/۴؛ انفال/۵۸؛ شوری/۴۰؛ نحل/۲۳؛ حدید/۲۳؛ ممتحنه/۸).

بنابراین هنجارهای اخلاقی‌ای مانند عدل و احسان در مناسبات اجتماعی، به مثابه فضایل اخلاقی و نیز ظلم و ستم و تعدی به حقوق دیگران، به مثابه رذایل اخلاقی از اطلاق برخوردارند. اطلاق ارزش‌های اخلاقی در قرآن علت اوصاف و منش درونی بوده و در نهایت به بروز رفتار اختیاری آدمی می‌انجامد. وظیفه اخلاقی هر فرد آن است که با پاسداشت این قبیل هنجارهای اخلاقی در تعاملات اجتماعی به ویژه در موضوع پیکار با

دشمن، به دستورات الهی عمل کرده و در مسیر کمال و قرب الهی قدم بردارد.

۴. طرح بحث

موضوع قتال و جهاد در آیات قرآن در مواجهه با دو گروه اهل کتاب و کافران مطرح می‌شود. برخی از مفسران با استناد به آیات ۱۹۳ سوره بقره و ۳۹ سوره انفال،^۱ در موضوع ضرورت عمل به مفهوم این آیات تفاوتی میان اهل کتاب و کافران قائل نیستند (طوسی، ۱۳۸۹: ۹/۲؛ راوندی، ۱۴۰۵: ۳۴۲/۱؛ سبزواری نجفی، ۱۴۱۹: ۱/۳۲۷؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۱/۲۹۷).

برای توجیه این حکم، ضمیر «هُم» در فعل «فَاتِلُوهُمْ» به تمام کافران و غیرمسلمانان ارجاع داده شده و به وجوب پیکار با آن‌ها حکم شده است. مطابق این رویکرد، قتال و جهاد با این افراد برای برپایی دین مبین اسلام و بسط نگرش توحیدی، ضروری قلمداد می‌شود. از سوی دیگر در آثار تفسیری، برداشت‌های متعددی از واژه فتنه ذیل آیه یادشده آمده است. برخی از مفسران مسلمان با همسان‌انگاری معنای واژه فتنه و واژگان کفر و شرک، بر لزوم محو و زدودن آن‌ها به مثابه تکلیف دینی باور دارند (قرطبی، ۱۳۶۴: ۲/۳۵۴؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۱/۱۲۸). براساس دیدگاه مفسران یادشده، به رفع فتنه، به مثابه غرض نهایی قتال با کافران در آیه ۱۹۳ بقره اشاره شده است (رازی، ۱۴۲۰: ۵/۲۹۱؛ آلوسی، ۱۴۲۰: ۱/۴۷۲؛ قطب، ۱۴۱۲: ۳/۱۵۸۶).

ریشه نگرش یادشده را باید در این نکته جست‌وجو کرد که برخی از اندیشه‌وران مسلمان تفاوتی میان افراد مُقاتل و غیرمُقاتل در وجوب قتال و جهاد نمی‌بینند (طوسی، ۱۳۷۵: ۳۱۲؛ حلی، ۱۴۰۹: ۲۳۳). افزون بر این، برخی از مفسران ذیل آیه ۱۹۰ سوره بقره^۲ با بسط دامنه معنایی مُقاتل، حکم قتال را تنها شامل افراد درحال جنگ قلمداد نکرده و غیرمسلمانان مستعد و آماده جنگ را نیز مشمول حکم یادشده می‌دانند (مدرسی، ۱۴۱۹:

۱. «وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ».

۲. «وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا».

۱/۳۴۱). بلاغی نجفی نیز در ترکیبی وصفی، مُقاتل را فرد معاند نسبت به دین تفسیر می‌کند (بلاغی نجفی، ۱۴۲۰: ۱/۱۶۶). نکتهٔ اساسی در این قبیل برداشت‌های تفسیری، ضرورت زدودن و از میان برداشتن کفر و شرک بوده و به دیگر ویژگی‌های حکم قتال و جهاد توجه چندانی نشده است.

با وجود این، برخی از مفسران پا را فراتر نهاده، آیهٔ ۱۹۱ سوره بقره^۱ را ناسخ آیات هشت سورهٔ ممتحنه^۲ و نود سورهٔ نساء^۳ می‌دانند؛ آیاتی که به صراحت ناظر به خوش رفتاری، عدالت ورزی و پاسداشت ارزش‌های اخلاقی با غیرمسلمانان اند (آلوسی، ۱۴۲۰: ۳/۱۷۰). قرطبی نیز ذیل آیهٔ ۱۹۳ سوره بقره با استناد به حدیث «أُمِرْتُ أَنْ أَقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَقُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲/۶۴) قتال با مشرکان را بی قید و شرط دانسته و امر صادرشده در آیه را حاکی از جنگ ابتدایی و نه دفاعی می‌داند (قرطبی، ۱۳۶۴: ۲/۳۵۳).

ویژگی برجسته و منطقی چنین رویکردی، پذیرفتن اجبار غیرمسلمانان به قبول دین مبین اسلام است. در واقع در این نگرش، برای غیرمسلمانان دو راهکار قابل ارائه است: پذیرش دین مبین اسلام یا کشته شدن. این دیدگاه به پشتوانهٔ برخی از آیات، کشتار غیرمسلمانان را ضروری دانسته و رسالت الهی را در عمل به این امر جست‌وجو می‌کند. بنابراین می‌توان گفت آیهٔ ۱۹۳ بقره آیه‌ای پریسامد برای توجیه این مسئله است.

چنان‌که گفته شد، در آیهٔ یادشده معمولاً واژهٔ فتنه به معنای کفر و شرک گرفته شده و فعل «انتهاوا» به دست کشیدن از کفر و شرک معنا شده است. برخی از مفسران نیز فعل «انتهاوا» را به معنای پذیرش دین مبین اسلام پنداشته‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲/۲۶؛ مغنیه، ۱۴۲۴/۲۹۹). سید قطب با طرح معنایی موسع از واژهٔ فتنه، آن را همسان با هرگونه مانع یا عاملی فسادزا در دستیابی مردم به راه و روش الهی می‌داند. براساس نظر او، این

۱. «وَ اقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَفَقَّطْتُمُوهُمْ».

۲. «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يَخْرُجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ».

۳. «فَإِنْ اعْتَرَفْتُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَ أَلْفَاؤُا إِلَيْكُمْ السَّلَامَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا».

موانع باید به کلی از میان برداشته شوند و این امر به لحاظ کردن شرایطی خاص نیازمند نیست (قطب، ۱۴۱۲: ۱/۱۸۹). با وجود این، طالقانی ذیل آیه ۱۹۰ بقره مُقاتل را وصف افرادی دانسته که در پی سنگ اندازی در مسیر هدایت راستین الهی اند (طالقانی، ۱۳۶۲: ۸۱/۲).

۴-۱. سنجش ارزش‌های بنیادین اخلاقی و برداشت‌های تفسیری از آیه ۱۹۳ بقره

پاسداشت ارزش‌های بنیادین اخلاقی به مثابه وظیفه‌گرایی اخلاقی در تمام ابعاد زندگی به ویژه در ارتباط با دیگران مورد تأکید قرآن است. کیفیت جنگ و پیکار با دشمن به مثابه ارتباط با دیگری نیز از این امر مستثنا نیست. تعابیر «وَلَا تَعْتَدُوا» و «فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ» در آیات ۱۹۰ و ۱۹۳ بقره بر یکی از بنیادی‌ترین ارزش‌ها و وظایف اخلاقی دلالت دارند. پذیرش قول رعایت اعتدال در جنگ به مثابه ارزش بنیادین اخلاقی و اجتناب از اعتدا و ستم به مثابه رذیلت اخلاقی، ریشه در نهاد و فطرت انسان دارد. توجه به این نکته ضروری است که در آیات یادشده معنای اعتدا تبیین نشده و به فهم و درک افراد سپرده شده است؛ چراکه هر انسانی اجمالاً فهمی از مصادیق عدالت و ظلم دارد. با یکسان انگاشتن معنای عدالت و عدم اعتدا (وَلَا تَعْتَدُوا)، پایبندی به آن در برخورد با تمام افراد با هر عقیده و باوری ضروری است و با خروج از مسیر عدالت، اوصاف و افعال آدمی در زمره رذایل اخلاقی جای می‌گیرد. افزون بر این با کاربرست ارزش‌های اخلاقی می‌توان میان مقاتل و غیرمقاتل تمایز قائل شد.

همچنین تعبیر «وَلَا تَعْتَدُوا» به هرگونه عمل تجاوزکارانه و ناپسند اخلاقی در عرصه جنگ اشعار دارد. براساس نظر علامه طباطبایی، جنگ پیش از پیشنهاد مصالحه برای حق، جنگ ابتدایی، قتل زنان و کودکان و جنگ پیش از اعلان جنگ با دشمن ذیل نهی یادشده قرار می‌گیرد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲/۶۱). همچنین براساس دیدگاه برخی دانشمندان مسلمان، منظور از «لَا تَعْتَدُوا» پایبندی به اصول اخلاقی و پاسداشت حقوق بشر مانند عدم تعرض به اسیران، فراریان، مجروحان، زنان و کودکان، آلوده نکردن آب و

غذا و ... است (رضا، ۱۹۹۰: ۲۰/۲). برخی مفسران نیز «لَا تَعْتَدُوا» را به نهی از آغاز جنگ و جلوگیری از هرگونه تعدی در حین جنگ معنا کرده‌اند (طبرسی، ۱۴۰۸: ۱/۲۸۴). افزون بر این، نهی از اعتدا در جنگ را می‌توان ناظر به چند نکته دیگر دانست: الف) اعمال ناپسند نسبت به اشخاص در حال جنگ؛ ب) اجتناب از کشتار غیرمقاتلان؛ ج) تعدی از قواعد پذیرفته شده در جنگ؛ د) به کارگیری تسلیحات نظامی مخرب؛ ه) آسیب به محیط زیست و طبیعت و تخریب شهر؛ و) ایجاد رعب و وحشت در اجتماع. در این رویکرد، امر به قتال با غیرمقاتلان با تعبیر «وَلَا تَعْتَدُوا» غیراخلاقی و خلاف هنجار به شمار آمده است (مطهری، ۱۳۸۷: ۵/۹۸).

براین اساس، اگر هنجارهای بنیادین اخلاقی و وظایف اخلاقی از قبیل رعایت عدالت و اجتناب از ظلم به صورت مطلق قلمداد شود، نمی‌توان دیدگاه نسخ در این گونه از مسائل را موجه دانست. از این رو، لازمه قبول نسخ‌انگاری آیات مدارا و صلح، زیرپا نهادن ارزش‌های اخلاقی، توجیه برخی اقدامات نابخردانه و پذیرش باور به کشتار بی ضابطه غیرمسلمانان خواهد بود. باید توجه داشت که در آیه ۱۹۱ بقره امر به جنگیدن به آغاز شدن جنگ از سوی دشمن بازیسته دانسته شده است. با مذاقه در آیه یادشده منطبق این حکم چنین تقریر می‌شود که «آن‌ها را هرکجا یافتید، بکشید که آن‌ها هرکجا شما را بیابند می‌کشند؛ چون جنگ را آغاز کرده‌اند و آن‌ها را بیرون کنید؛ چراکه شما را بیرون کرده‌اند». نکته مهم در این آیه این است که اخراج و تبعید دشمنان نتیجه عمل ناپسند آنان، یعنی اخراج مسلمانان است. بدین سان برای اثبات صحت مدعای یادشده می‌توان به مدلول مطابقی آیه هشت سوره ممتحنه استناد کرد. براساس آیه یادشده، عدل و احسان از مقوله ارزش‌های اخلاقی به شمار آمده که به علت حسن ذاتی همواره مورد پذیرش همه افراد با هر عقیده و باوری است. رعایت اصل عدالت و نیکوکاری نسبت به مسلمان و غیرمسلمان در عقل و نقل ریشه دارد. در این میان، از نظر قرآن این اصول زمانی استثنابردارند که طرف غیرمسلمان مرتکب ظلم و ستم شود.

در ادامه پژوهش، توجه به ارزش‌های بنیادین اخلاقی و ضرورت کاربست آن‌ها در

سیاق آیه ۱۹۳ بقره از طریق بررسی دو واژه فتنه و مقاتله بیان شده است.

۲-۴. سیاق آیات به مثابه سنجۀ مراد الهی

در قواعد تفسیری، توجه به سیاق برای درک جامع و صحیح آیات مرتبط دارای اهمیت است. در واقع بافت متن در بردارنده شبکه‌ای از معانی متعدد است که به صورت سیستماتیک با یکدیگر در ارتباط اند. برای فهم درست آیات، در گام نخست باید به آیات قبل و بعد از آیه مورد نظر توجه کرد. توجه به «قرائن متصله» در واقع جست‌وجو در آیات هم‌معنا در بافت متن برای دستیابی به فهم صحیح آیه است.

جست‌وجوی ناقص و عدم توجه کافی به قرائن متصله در آیات زمینه‌ساز کج فهمی و سبب سوء برداشت در معارف قرآنی خواهد بود. قرائن متصله ارتباطی ناگسستنی با تبیین ظهور آیات و شناسایی مراد استعمالی آن‌ها دارند. مبنای توجه به قرائن متصله را می‌توان در سیرۀ عقلا جست‌وجو کرد. سیاق آیات را می‌توان از مهم‌ترین قرائن متصله برای درک آیات قرآن به شمار آورد. عقلا برای درک مراد گوینده در متن به سیاق کلمات و جمله‌ها استناد می‌کنند. تعریف‌های متعددی از معنای لغوی و اصطلاحی سیاق در کتاب‌های لغت و تفسیر آمده است (برای نمونه بنگرید به: ابن فارس، ۱۹۷۹: ۴۷۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹/۱۷). در پژوهش حاضر به علت تنگی مجال از طرح معانی گسترده سیاق اجتناب شده و به تعریف صاحب کتاب قواعد تفسیر قرآن بسنده می‌شود: سیاق «نوعی ویژگی برای کلمه یا جمله است که بر اثر همراه بودن آن با کلمه‌ها و جمله‌های دیگر پدید می‌آید» (بابائی، ۱۳۹۴: ۱۲۷).

بدین سان برای فهم صحیح آیه ۱۹۳ بقره باید آیات پیش از آن را مورد بررسی قرار داد. نگاه تک بعدی به این آیه باعث برداشت‌های غلط و گاه مشکل‌آفرین برای جوامع اسلامی شده است. از این رو در ادامه پس از پرداختن به معناشناسی واژه فتنه در کتاب‌های لغت و آیات قرآن، دیدگاه‌های مفسران درباره آیات ۱۹۰ تا ۱۹۳ بقره بررسی و نقد می‌شود تا پیامدهای توجه ناکافی به معنای این واژه و سیاق آیات روشن گردد.

۴-۲-۱. واکاوی معنای واژه فتنه

در کتاب‌های لغت واژه فتنه مصدر «فَتَنَ» بوده که سه معنا از مهم‌ترین معناهای آن عبارت‌اند: اضطراب همراه با ناآرامی و تشویش، ذوب کردن برای خالص‌سازی و سوزاندن چیزی با آتش. برخی لغت‌دانان ریشه تمام معانی فتنه را تشویش و اختلال همراه با اضطراب می‌دانند (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲۲/۹). جوهری فتنه را ذوب کردن طلا و نقره برای تعیین کیفیت و زدودن ناخالصی معنا کرده (جوهری، ۱۴۰۷: ۶/۲۱۷۵) و راغب اصفهانی نیز آن را صحیح دانسته است (راغب اصفهانی، ۱۴۲۰: ۳۷۴). با وجود این، صاحب کتاب العین در اظهارنظری اجتهادگونه فتنه را تنها به ذوب کردن چیزی با آتش معنا کرده است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۸/۱۲۷).

به نظر می‌رسد بتوان قول سوم را به عنوان معنایی جامع و فراگیر برای تمام معنای واژه فتنه در نظر گرفت. در کتاب‌های لغت، برافروخته شدن چیزی به عنوان معنای محوری واژه فتنه (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۱۳/۳۲۰؛ زبیدی، ۲۹۷/۹) و عذاب در شمار معنای رایج آن آمده است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۸/۱۲۷). ارتباط معنایی عذاب و گداختگی و سوزاندن به آسانی قابل درک است. قتل، قتال و ناملايمات میان مردم نیز از جمله معانی فتنه است (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۱۳/۳۱۹). نوعی التهاب و گداختگی روحی و جسمی در معنای یادشده آشکار است. افزون بر این، معنای فتنه در کفر، شرک و گناه پیامدی جز آتش قهر الهی و سوزانده شدن ندارد (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۱۳/۳۱۹؛ طریحی، ۱۳۸۷: ۳/۳۶۱). شرور، محنت، بلا و مصیبت، فریفته شدن، آزمایش، گمراهی و ضلالت نیز از جمله دیگر معنای فتنه است (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۱۳/۳۱۷؛ جوهری، ۱۴۰۷: ۶/۲۱۷۶؛ فراهیدی، ۱۴۰۹: ۸/۱۲۸؛ ابن فارس، ۱۳۹۹: ۱/۴۹۱).

با توجه به مطالب بالا می‌توان گفت که جداسازی دو شیء در مفهوم آزمایش و امتحان نهفته است و این حالت از طریق سوزاندن انجام می‌شود. به سخن دیگر، آزمایش و امتحان برای جداسازی و خالص‌سازی از راه سوزاندن صورت می‌گیرد. در این برداشت معنایی، استنباط معنای آزمایش و امتحان برای واژه فتنه به چند واسطه برای دستیابی

به معنا نیازمند است. درباره معنای گمراهی و ضلالت نیز باید توجه داشت که این مفاهیم، هم سبب گداختگی و بر هم خوردن روان افراد و جامعه شده و هم پیامدی جز آتش سوزان الهی ندارند. بنابراین گمراهی و ضلالت به دو سطح معنایی برای دستیابی به معنای واژه فتنه نیازمند است: گمراهی سبب عذاب الهی شده و عذاب با آتش سوزان خداوند صورت می‌گیرد.

۴-۲-۱. واکاوی معنای واژه فتنه در قرآن

فتنه در قرآن معانی متعددی دارد؛ چنان که در برخی از آیات، به معنای بلا و مصیبت^۱ و در برخی دیگر به معنای آزمایش و امتحان،^۲ عذاب،^۳ گمراهی و ضلالت^۴ و جنون (قلم/ ۶) به کار رفته است. از این رو اقوال متعددی درباره معنای فتنه در آیات ۱۹۱ و ۱۹۳ بقره مطرح شده است. برخی از مفسران واژه فتنه در آیه ۱۹۱ بقره را به معنای آزمایش می‌دانند. در این حالت، مؤمن در معرض آزمایش قرار گرفته و ایمان او محک می‌خورد (طبری، ۱۴۱۵: ۲/۲۶۱). همچنین برخی از مفسران واژه فتنه در آیه یادشده را به معنای شرک دانسته (ابن کثیر، ۱۴۱۸: ۱/۵۲۵) و شیخ طوسی به معنای کفر می‌داند (طوسی، ۱۳۸۹: ۲/۱۴۶). چنین کفری است که در معرض آزمایش قرار گرفته و بدتر از قتل و کشتار در ماه‌های حرام معرفی می‌شود. افزون بر این زمخشری واژه فتنه در آیه مورد بحث را به معنای عذاب آخرت (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱/۳۴۲) و صاحب کتاب العین به معنای ایذا و آزار مسلمانان به هدف جدایی آنان از دین و ایمان می‌داند (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۸/۱۲۷).

۱. (انبیاء/ ۳۵؛ حج/ ۱۱؛ نور/ ۶۳؛ انفال/ ۲۵).

۲. (بقره/ ۱۰۲؛ انعام/ ۲۳، ۵۳؛ اعراف/ ۱۵۵؛ انفال/ ۲۸؛ توبه/ ۱۲۶؛ اسراء/ ۶۰؛ طه/ ۴۰، ۸۵، ۹۰؛ انبیاء/ ۳۵، ۱۱۱؛ حج/ ۵۳؛ فرقان/ ۲۰؛ نمل/ ۴۷؛ عنکبوت/ ۲-۳؛ زمر/ ۴۹؛ دخان/ ۱۷؛ ص/ ۲۴؛ قمر/ ۲۷؛ تغابن/ ۱۵؛ صافات/ ۶۳؛ مدثر/ ۳۱؛ جن/ ۱۷؛ یونس/ ۸۵؛ ممتحنه/ ۵، ۱۰).

۳. (بقره/ ۱۹۱، ۱۹۳، ۲۱۷؛ نساء/ ۱۰۱؛ مائده/ ۴۱، ۷۱؛ انفال/ ۳۹، ۷۳؛ یونس/ ۸۳؛ طه/ ۱۳۱؛ نحل/ ۱۱۰؛ عنکبوت/ ۱۰؛ حدید/ ۱۴؛ ذاریات/ ۱۴، ۱۳، ۱۲؛ بروج/ ۱۰).

۴. (آل عمران/ ۷؛ نساء/ ۹۱؛ مائده/ ۴۹؛ اعراف/ ۲۷؛ توبه/ ۴۷، ۴۹؛ اسراء/ ۷۳؛ احزاب/ ۱۴؛ صافات/ ۱۶۲).

در این میان به نظر می‌رسد که معنای کفر و شرک برای واژه فتنه در آیات ۱۹۱ و ۱۹۳ بقره تناسب چندانی با ریشه «فَتْن» ندارد؛ چراکه کافران و مشرکان با ایذا، آزار و گداختگی جسم و روان مسلمانان در پی جدایی ایشان از دین و ایمان الهی بودند. این برداشت معنایی را می‌توان با توجه به سیاق آیات یادشده تقویت کرد. توضیح مطلب اینکه سیاق آیات پیش‌گفته به واکنش مسلمانان در برابر عهدشکنی و بداخلاقی‌های کافران و مشرکان مربوط است.

به بیان روشن‌تر، سیاق آیات ۱۹۰ تا ۱۹۳ بقره به توصیف و تبیین ایذا، اعتدا و اقدامات غیراخلاقی غیرمسلمانان نسبت به مسلمانان می‌پردازد. در واقع حکم قتال در آیات یادشده بیانگر ضرورت واکنش مسلمانان به اقدامات ناپسند این افراد است. بدین‌سان صحیح آن است که گفته شود، حکم قتال حکمی مشروط بوده و مطلق نیست. به عبارت دیگر تا هنگامی که این افراد دست از اقدامات غیراخلاقی، آزار و ایذای مسلمانان برنداشته‌اند، تکلیف مسلمانان به عنوان وظیفه اخلاقی، واکنش متقابل است. با وجود این در صورت پایان یافتن تعدی و ایذا، مسلمانان نیز موظف به اتمام جنگ هستند. با توجه به این موضوع باید گفت که در معنای مقاتله، تجاوز و عدوان نسبت به مسلمانان مطمح نظر است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲: ۳۴، ۱). این معنا بیانگر آن است که اندیشه‌وران معاصر در تقسیم‌بندی کافران به مقاتل و غیرمقاتل به آیاتی مانند آیه هشت سوره ممتحنه توجه داشته‌اند. توضیح مطلب اینکه براساس مدلول مطابقی آیه یادشده افرادی که در پی نزاع و ستیز نبوده و با مسلمانان در عهد و پیمان به سر می‌برند، مانند کافران حربی به‌شمار نمی‌آیند و پیکار با آنان غیراخلاقی (وظیفه‌گرایی اخلاقی) است. از این افراد با عنوان اصحاب «اعتزال» و گاه با اصطلاح «اهل الحیاد» بی‌طرف یاد می‌شود (مدرسی، ۱۴۱۹: ۳۱۷/۱۵). با توجه به این نکات، همسان‌انگاری معنای فتنه و کفر در آیه ۱۹۳ بقره معنای محصلی ندارد؛ چراکه معنای فتنه به صورت مستقیم حاکی از معنای کفر و شرک نیست.

در صورت همسان‌انگاری معنای فتنه و کفر، پرسش‌های پیش‌رو طرح خواهد شد: آیا

با کشتار تمام کافران و مشرکان، دین مبین اسلام بر همهٔ ادیان غلبه خواهد یافت؟ روش دعوت و تبلیغ آموزه‌های دینی از دیدگاه قرآن چگونه است؟ کشتار افرادی که در ایجاد فتنه مؤثر نبوده‌اند، چه توجیه شرعی و منطقی‌ای خواهد داشت؟ آیا با کشتار کافران زمینهٔ بی‌دینی و کفر به کلی از میان خواهد رفت؟

توجه به این نکته ضروری است که دین مبین اسلام با روش‌های منحصر به فرد خود (منطق برتر و کنش اخلاقی) سرانجام بر دیگر ادیان سیطره خواهد یافت. از دیدگاه آیات قرآن، چگونگی ابلاغ و ارائهٔ صحیح آموزه‌های دینی از اهمیتی برخوردار است. با وجود این، آموزه‌های قرآنی با مانع‌تراشان و سنگ‌اندازان در مسیر ترویج دین الهی ستیز دارد. بنابراین می‌توان با توجه به نکاتی که دربارهٔ معنای فتنه بیان شد، با توسعهٔ معنایی این واژه این قبیل اقدامات خراب‌کارانه را ذیل معنای آزار و ایدای مسلمانان در رسیدن به مسیر درست و الهی قرار داده و مبارزه با آن را منطقی و شرعی دانست (فضل الله، ۲۰۱۸: ۸۱/۴).

بررسی آثار متقدم نشان‌دهندهٔ آن است که اصل دعوت به راه حق و اتمام حجت با غیرمسلمانان کمتر مورد اقبال بوده است. در این‌گونه آثار، اتمام حجت نه به معنای اقناع، بلکه به آشنایی اجمالی افراد با دین مبین اسلام محدود شده است (طوسی، ۱۳۸۹: ۲/۱۳). با وجود این می‌توان گفت که به مرور زمان دایرهٔ معنایی اتمام حجت رو به بسط گذاشته و فهم صحیح از آموزه‌ها و کیفیت ارائهٔ معارف دینی (نحل/۱۲۵) را شامل شده است (مطهری، ۱۳۸۷: ۵/۸۲). بدین سان مانع‌تراشی در مسیر تبلیغ و ترویج دین راستین و بسترسازی برای کج‌روی افراد از معنای واژهٔ فتنه یاد شده که مطابق آیهٔ ۱۹۳ بقره، مسلمانان مکلف به ریشه‌کنی آن‌اند (زحیلی، ۱۴۱۸: ۲/۱۳۱۸). از این رو ملاک حکم قتال در ظلم و تعدی و مانع‌تراشی در مسیر رواج دین و نه کفر و شرک درونی قلمداد می‌شود (طالقانی، ۱۳۶۲: ۲/۸۳؛ رضا، ۱۹۹۰: ۲/۱۷۳).

افزون بر این، ساختار عبارت «وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ» در آیهٔ ۱۹۱ بقره مانند ساختار عبارت «وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ» در آیهٔ ۲۱۷ این سوره است. در آیهٔ ۲۱۷، کافران و مشرکان با

کشتار مسلمانان و با ایجاد رعب و وحشت در پی بازگرداندن آنان از دین و ایمان الهی‌اند. با توجه به این مهم و یکسانی ساختار کلامی و موضوعی این دو آیه، احتمال همسانی در معنا تقویت می‌شود.

بدین سان معنای روشنی از عبارت «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ» آیه ۱۹۳ بقره به دست می‌آید. معنای فتنه در این آیه با توجه به سیاق آیات، همان معنای فتنه در آیه ۱۹۱ بقره است. به سخن دیگر، آیه ۱۹۳ به مسلمانان دستور می‌دهد با کافران و مشرکان وارد نبرد شوند؛ آن‌گونه که نیرو و تجهیزات برای آنان باقی نماند تا بتوانند مانع دین‌داری مسلمانان شده و آنان را اذیت و آزار کنند (رضا، ۱۹۹۰: ۲۱۱/۲).

۴-۲-۲. واکاوی معنای مقاتله

براساس آیه ۱۹۰ بقره، تنها به قتال با افراد مقاتل امر شده است. با توجه به باب مفاعله، واژه مقاتل برای اشاره به افرادی به کار می‌رود که در حال جنگ و پیکار با مسلمانان‌اند (طوسی، ۱۳۸۹: ۲/۱۴۳؛ مصطفوی، ۱۳۶۰: ۳/۳). بدین سان افراد غیرمقاتل اعم از شهروندان عادی، بیماران، سال‌خوردگان، زنان و کودکان مشمول حکم آیه نبوده، تعدی و اجحاف به آنان از نظر اخلاقی پسندیده نیست. با وجود این، شگفت آنکه درباره گستره معنایی واژه مقاتل در کتاب‌های تفسیری وحدت نظر دیده نمی‌شود. برداشت‌های متعدد و گاه ناموجه از معنای واژه یادشده را می‌توان یکی از دلایل اساسی در اختلافات تفسیری درباره کیفیت تعامل با غیرمسلمانان، به ویژه در شیوه جنگ با آنان دانست.

با توجه به مباحث مطرح شده، معنای «الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ» در آیه ۱۹۰ بقره در سه معنای شرطی، احترازی و وصفی تبیین می‌شود. در معنای نخست، در صورت آغاز جنگ از سوی مشرکان باید با آنان پیکار کرد (طالقانی، ۱۳۶۲: ۸۱/۲). با استناد به معنای دوم باید تنها با مردان جنگید و زنان و کودکان را استثنا کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲: ۲۰/۲). معنای سوم نیز براساس نظر علامه طباطبایی به وصف و حال مشرکان باز بسته است؛ یعنی تنها باید با افرادی که در حال جنگ با مسلمانان‌اند، پیکار کرد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۶۰/۲). با

پذیرش معنای سوم باید گفت که در اساس عمومیتی برای آیه ۱۹۳ بقره باقی نمی ماند که به حل و فصل آن نیاز باشد. چنان که گفته شد، سیاق آیات که در قواعد تفسیری از آن با عنوان «قرائن متصله» یاد شده، مانع انعقاد عام در آیه یادشده می شود (فضل الله، ۲۰۱۸: ۴/۸۲-۷۶).

به هررو با توجه به سیاق آیات، مصادیق دستور قتال در آیه ۱۹۳ بقره آشکار می شود. به نظر می رسد حکم قتال درباره افرادی است که در حال جنگ یا مستعد و آماده پیکار با مسلمانان اند. با استناد به این مطلب چنین باید گفت که افراد غیرمقاتل و غیرنظامی نه تنها در جنگ مستقیم با مسلمانان حضور ندارند، که از توان فکری و جسمی آنان نیز در تنظیم و سامان دهی عملیات جنگی استفاده نشده است. پاسداشت ارزش های اخلاقی ایجاب می کند که اموال غیرنظامیان اعم از مکان های مسکونی و امکانات بهداشتی و بیمارستانی از آسیب و تعدی مصون بماند (لطفی، ۱۳۹۱: ۱/۱۷۶). اهمیت این موضوع چنان است که دیوان بین المللی دادگستری بر رعایت آن تأکید کرده است: «دولت ها حق ندارند غیرنظامیان را هدف حمله قرار دهند و در نتیجه، هرگز نباید سلاح هایی را به کار گیرند که قادر به تفکیک اهداف نظامی و غیرنظامی نیستند» (قربان نیا، ۱۳۸۷: ۱۷۴).

نتیجه گیری

در پژوهش پیش رو روشن شد که برخی از برداشت های تفسیری درباره آیه ۱۹۳ بقره به بازنگری جدی نیازمند است. برداشت های نادرست از این گونه آیات نه تنها تفسیر به رأی است، بلکه سبب تیرگی تعاملات اجتماعی و تقویت نزاع بین المللی میان جوامع اسلامی و غیراسلامی خواهد شد.

در این راستا پژوهش حاضر نشان داد که ارزش های بنیادین اخلاقی در قرآن از اطلاق برخوردار بوده و برای همه عصرها و مکان ها کاربرد دارد. به نوعی می توان گفت که ارزش های اخلاقی در قرآن با ابتنا بر بحث حسن و قبح ذاتی به نظریه وظیفه گروی اخلاقی

در اخلاق هنجاری نزدیک شده است. البته معرفت به ارزش‌های اخلاقی در قرآن تنها در عقل ریشه نداشته، بلکه آموزه‌های وحیانی جایگاه مهمی در درک این ارزش‌ها دارد. کاربست ارزش‌های اخلاقی در قرآن سبب پیدایش ملکات درونی شده و در ادامه به بروز رفتار اخلاقی در فرد می‌انجامد. وظیفه اخلاقی همه باورمندان به آموزه‌های قرآن این است که در مواجهه با هر فرد، اعم از مسلمان و غیرمسلمان پا را از دایره ارزش‌های اخلاقی به ویژه عدالت فراتر نگذارند. توجه به سیاق آیات آشکار ساخت که حکم قتال با مقاتل درباره افرادی است که در حال پیکار یا مستعد و آماده جنگ با مسلمانان اند و دیگر افراد (غیرمقاتل) در اساس ذیل امر یادشده قرار نمی‌گیرند. افزون بر این از دیدگاه اخلاقی، قتال با غیرمقاتلان و باور به ضرورت کشتار آنان به علت باور و عقیده‌ای که دارند، ذیل نهی اعتدا قرار می‌گیرد. بدین سان با توجه به دو مؤلفه یادشده باید فتنه را نه به معنای کفر و شرک غیرمسلمانان، بلکه به معنای اقدامات خراب‌کارانه آنان برای دور کردن مسلمانان از دین و ایمان راستین و اذیت و آزار ایشان دانست.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه سید جلال الدین مجتوبی.
۲. آلوسی، محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، دار احیاء التراث، بیروت، ۱۴۲۰ق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام تحقیق: مهدی لاجوردی، نشر جهان، تهران، ۱۳۷۸ش.
۴. ابن فارس، احمد بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، تحقیق: عبد السلام محمد هارون، دار الفکر، قم، ۱۹۷۹م.
۵. ابن کثیر دمشقی، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۷. اترک، حسین، «وظیفه‌گرایی اخلاقی»، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، دوره پنجم، شماره‌های ۱-۲، ۱۳۸۹ش.
۸. بابائی، علی اکبر، قواعد تفسیر قرآن، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۹۴ش.
۹. بلاغی نجفی، محمد جواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، قم، ۱۴۲۰ق.
۱۰. بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل وأسرار التأویل، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۸ق.
۱۱. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح فی اللغة والعلوم، دار العلم، بیروت، ۱۴۰۷ق.

۱۲. حسینی رامندی، علی اکبر، *درآمدی بر مؤلفه های نظام اخلاقی قرآن*، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۹۹ ش.
۱۳. حسینی رامندی، علی اکبر، *نظریه اخلاق هنجاری اسلام براساس قرآن کریم*، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۹۸ ش.
۱۴. حلی، نجم الدین، *شراعت الإسلام فی مسائل الحلال والحرام*، انتشارات استقلال، تهران، ۱۴۰۹ ق.
۱۵. رازی، فخرالدین، *مفاتیح الغیب*، إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ ق.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق: صفوان عدنان داودی، دار القلم. الدار الشامیة، بیروت. دمشق، ۱۴۱۲ ق.
۱۷. راوندی قطب الدین، سعید بن هبة الله، *فقه القرآن فی شرح آیات الأحکام*، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۵ ق.
۱۸. رضا، محمد رشید، *تفسیر القرآن العظیم (تفسیر المنار)*، الهيئة المصرية العامة للكتاب، القاهرة، ۱۹۹۰ م.
۱۹. ریچلز، جیمز، *فلسفه اخلاق*، ترجمه آرش اخگری، انتشارات حکمت، تهران، ۱۳۸۹ ش.
۲۰. زبیدی، محمد مرتضی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، دار مکتبة الحیاة، بیروت، بی تا.
۲۱. زحیلی، وهبة، *التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج*، دار الفکر المعاصر، بیروت، ۱۴۱۸ ق.
۲۲. زمخشری، محمود، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، دارالمعرفة، بیروت، ۱۴۰۷ ق.
۲۳. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله، *إرشاد الأذهان إلى تفسیر القرآن*، دار التعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۹ ق.
۲۴. صادقی، هادی، *فلسفه اخلاق در دایره عقل و دین: فرانظریه یکپارچه اخلاق*، کتاب طه، قم، ۱۳۹۹ ش.
۲۵. طالقانی، سید محمود، *پرتوی از قرآن*، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۶۲ ش.
۲۶. طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۷ ق.
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، دار المعرفة، بیروت، ۱۴۰۸ ق.
۲۸. طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، دار المعرفة، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
۲۹. طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرين*، تحقیق: سید احمد حسینی، کتاب فروشی مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۳۰. طوسی، محمد بن حسن، *الإقتصاد الهادی إلى طریق الرشاد*، انتشارات چهل ستون، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، آل البيت، قم، ۱۳۸۹ ش.
۳۲. علیزاده، مهدی، *آیین زندگی (اخلاق کاربردی)*، دفتر نشر معارف، قم، ۱۴۰۱ ش.
۳۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، *العین*، انتشارات هجرت، قم، ۱۴۱۰ ق.
۳۴. فضل الله، محمد حسین، *تفسیر من وحی القرآن*، دار الملائک للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت،

- ۲۰۱۸ م.
۳۵. قربان‌نیا، ناصر، *حقوق بشر و حقوق بشردوستانه*، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ۱۳۸۷ ش.
۳۶. قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لأحكام القرآن*، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۶۴ ش.
۳۷. قطب، سید، *فی ظلال القرآن*، دار الشروق، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
۳۸. کربلایی پازوکی، علی و سید جابر موسوی‌راد، «بررسی و تحلیل دیدگاه آیت الله مصباح یزدی درباره ملاک اعتبار گزاره‌های اخلاقی»، *فصلنامه اخلاق پژوهی*، سال پنجم، ش ۴، زمستان ۱۴۰۱ ش.
۳۹. کریمی، محمدرضا، *الگوی انگیزش اخلاقی قرآن کریم*، دانشگاه باقرالعلوم، قم، ۱۴۰۳.
۴۰. لطفی، عبدالرضا و دیگران، *بررسی تحقیقی حقوق بشردوستانه در منابع اسلامی و اسناد بین‌المللی*، دارالهدی، قم، ۱۳۹۱ ش.
۴۱. مدزسی، سید محمدتقی، *من هدی القرآن*، دار محبی الحسین، تهران، ۱۴۱۹ ق.
۴۲. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰ ش.
۴۳. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، جلد ۵، انتشارات صدرا، قم، ۱۳۸۷ ش.
۴۴. مغنیه، محمدجواد، *التفسیر الکاشف*، دار العلم للملایین، بیروت، ۱۴۲۴ ق.
۴۵. موحدی، محمدجواد، *وظیفه‌گرایی و پیامدگرایی در اخلاق*، انتشارات نگاه معاصر، تهران، ۱۳۹۸ ش.
۴۶. ویلیامز، برنارد، *فلسفه اخلاق*، ترجمه زهرا جلالی، معارف، قم، ۱۳۸۳.
۴۷. هولمز، رابرت ال، *مبانی فلسفه اخلاق*، ترجمه: مسعود علیا، انتشارات ققنوس، تهران، ۱۳۸۲ ش.
48. Norton, David Fate., *The Cambridge Companion to Hume*, Cambridge University, Cambridge, 1998.
49. Tannsjo, Torbjorn., *Understanding Ethics*, Edinburg University Press, First Edition, Edinburg, 2002.